

این مردم نازنین

درباره مردم سیستان و بلوچستان که هم ر کورد دار اهدای خون هستند و هم عنوان جوان ترین میانگین سنی کشور را دارند

فاطمه عسگری نیا | روزنامه نگار | نجیب و مهربان و قانع اند، مردمان سرزمین زال و رستم. خوی پهلوانی و مردانگی شان را از همین پهلوانان سرزمینشان به ارث برده‌اند. آنقدر نجیب و قانع‌اند که از وقتی هیرمند خشک شد و قایق‌هایشان به گل نشست، غمگین شدند اما کسی صدای گلایه و اعتراضی از آنها نشنید. کم خوردند، کم پوشیدند اما وحدت را حفظ کردند. فقیر و غنی شان یا هم فرقی نمی‌کنند؛ مهمان هر خانه که شوی بساط تنورچه‌شان به پا می‌شود. آنقدر مهمان نردشان عزت دارد و عزیز است که گاهی آن بزی که برای تنورچه آماده یخت می‌کنند ممکن است تنها دام و سرما پیه‌شان باشد. این مردمان نجیب، این مردمان مهربان، این مردمان زحمتکش حالا امروز به واسطه شبکه‌های مجازی و هوش مصنوعی و بچه‌های خلاق و باهوشی که در این زمینه‌ها دارند، بیشتر از گذشته در حال معرفی به دنیا هستند.

مردمانی زحمتکش

کیوت‌ها که به وقت هامین (فصل خرماچینی) در نخلستان‌ها کوکوب می‌کنند و آواز سر می‌دهند، مردم سیستان و بلوچستان می‌فهمند خرماها رسیده و باید مشغول به کار شوند. در زرآباد اما باغ‌های موز کمی را منتظر رسیدن آنها نمی‌گذارد؛ می‌گویند موز را تا سبز است و سفت باید چید و روانه بازار کرد. زرآباد جایی است که شما را به درک می‌رساند؛ درک همان ساحل معروف کویر و دریا که اقیانوس هند و دریای عمان را هم در آغوش می‌گیرد؛ از دریایش تنگویی کم اهالی‌اش همان ناخدا‌های سیاه چرده سفیددندان هستند که دلشان به زلالی آب اقیانوس است. بندر لپیار با قایق‌های رنگارنگ‌شان قصه دیگری از سیستان و بلوچستان را به تصویر می‌کشد. به هر نقطه از این استان پنهانور که سفر کنی، مردمش قصه‌ای دارند برای روایت؛ مردمانی زحمتکش و نان غیرت خورده.

جوان ترین استان کشور
شاید باورناتان نشود اما استان سیستان و بلوچستان جوان‌ترین استان کشور است! گواه این ادعا آمار و ارقامی است که در اداره کل ثبت احوال این استان قرار دارد. گذشته از این عدد و رقم‌ها، شما اگر سفری به این استان پنهانور

داشته باشید، به خوبی این جوانی جمعیت را می‌توانید از نزدیک ببینید. ۶۶،۷ درصد از جمعیت این استان را افراد زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. چیزی حدود ۲۸،۴ درصد جمعیت استان در گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال قرار دارند. همین مسئله باعث شده تا این استان در کنار داشتن رتبه جوان‌ترین استان کشور، امروز دغدغه سالمندی نداشته باشد. جوان‌هایی که در چند سال اخیر علاوه بر درخشش در حوزه علم و دانش و کسب رتبه‌های برتر کنکور و المپیادهای علمی حتی در حوزه ورزش هم حسابی کولاک کرده‌اند و باعث شده‌اند تا نام سیستان و بلوچستان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی بدرخشد.

اهدای جان، مرام استان

از خوبی‌های اهالی سیستان و بلوچستان هر چه بگوییم کم است؛ مردمی که همیشه در خیر رساندن به ایران و ایرانی پیش‌قدم هستند، همین چند روز پیش بود که معاون اجتماعی سازمان انتقال خون کشور اعلام کرد بالاترین آمار اهدای خون عماه‌خیر در استان سیستان و بلوچستان به ثبت رسیده است. به گفته این مسئول، استان سیستان و بلوچستان طی این مدت نزدیک به ۵۳ درصد رشد آمار اهدای خون داشته است. البته این

واگذاری موقت ۱۰۰۰ کودک به فرزندخواندگی

در حالی که بیش از ۳ سال از اجرای طرح «میزبان» برای مراقبت موقت از کودکان فاقد سرپرست مؤثر، در خانواده‌های متقاضی می‌گذرد، حمیدرضا الوند، مدیرکل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور گفته: «این طرح یک شیوه مراقبت

سیستان و بلوچستان شاید مردم فقیری داشته باشد اما همین مردم به شرافت شهرت دارند؛ مردمی که دلنشان از طلا خالص‌تر است؛ چرا که با دروغ میانه‌ای ندارند. خانواده دوست هستند و نان غیر نشان را می‌خورند و همیشه در صف اول خدمت به خلق‌الله هستند؛ آستانی با بالاترین نرخ رشد جمعیت را دارد، جزو پنهانورترین استان‌های کشور که دارای بالاترین ظرفیت استفاده از انرژی باد در خاورمیانه است و به واسطه قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین‌المللی و وجود تنها بندر اقیانوسی ایران در آن می‌تواند به یکی از ثروتمندترین استان‌های کشور تبدیل شود.

جوان‌های ازدواجی

درحالی‌که کاهش آمار ازدواج بین جوان‌هاین روزهایه یکی از دغدغه‌های دولتمردان تبدیل شده، جوان‌های استان سیستان و بلوچستان ازدواجی‌ترین جوان‌های کشور معرفی شده‌اند. به گفته مر ضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت کشور کمترین میانگین سنی ازدواج دختران و پسران مربوط به استان سیستان و بلوچستان است؛ به‌گونه‌ای که میانگین سن ازدواج اول در میان دختران این استان ۲۰،۸ سال و در میان پسران ۲۴،۹ سال گزارش شده است. البته نه اینکه فکر کنید ازدواج در این استان کم خرج و مخارج دارد، نه اتفاقا تا دلتان بخواهد مراسم عروسی و ازدواج در این استان مفصل و تماشایی است اما تشکیل خانواده اصل و اساسی است که در درجه اهمیت والایی برای آنها قرار دارد.



بچه‌های سرزمین خورشید در سیستان و بلوچستان

او هدف از اجرای این طرح را تأمین شرایط بهتر برای رشد و تربیت کودک و نوجوان در خانواده و بهبود فرایند بازپیوند یا واگذاری سرپرستی وی به خانواده جایگزین (اقوام یا فرزندخواندگی) عنوان کرد و گفت: کودکان باید بتوانند ولو به‌صورت مقطعی وارد خانواده‌های امن و واجد شرایط شوند چرا که هیچ نهادی جایگزین کارکردهای خانواده نمی‌شود.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام ابراهیم ایری، مسئول عقیدتی سیاسی پادگان شهیدادیبی مرزن‌آباد

حفظ قرآن در پادگان

در پادگان آموزشی شهید ادیبی مرزن‌آباد، جایی که هر سال صدها جوان نخستین تجربه نظامی خود را پشت سر می‌گذارند، مسئولیت هدایت فکری و معنوی سربازان بر عهده روحانیانی است که دوشادوش فرماندهان خدمت می‌کنند. حجت‌الاسلام ابراهیم ایری، مسئول عقیدتی سیاسی این مرکز، پیش از ۲ دهه است که در این عرصه فعالیت دارد و می‌گوید: «رسالت ما گشادنن دل‌های جوانان به سمت خداست.» او در گفت‌وگو با خبرنگار ما از وظایف عقیدتی، برنامه‌های فرهنگی و تجربه‌های معنوی خود در میان سربازان سخن گفت.

برگزاری دعای توسل هر سه‌شنبه، زیارت عاشورا و جلسات هیئت مذهبی برقرار است. ما بر اساس توصیه قرآن و عزت، تلاش می‌کنیم ارتباط جوانان با قرآن و اهل‌بیت(ع) را زنده و پایدار نگه داریم. در زمینه مشاوره و رسیدگی به مسائل روحی و روانی سربازان چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟

مشاوره یکی از وظایف اصلی روحانیون است. در هر گردها یک روحانی مستقر داریم که در ساعات غیر کلاسی در اتاق مخصوص خود حضور دارد و سربازان می‌توانند آزادانه مراجعه کنند. بسیاری از مشکلات خانوادگی، به‌ویژه در حوزه ازدواج یا دل‌تنگی‌های دوران آموزشی با همین گفت‌وگوها حل می‌شود. روحانیون در روزهای ابتدایی ورود سربازان نیز با آنان دیدار دارند تا اضطراب روزهای اول کاهش یابد. بارها پیش آمده که یک روحانی با پیگیری شخصی، حتی سربازی را که خدمت رارها کرده بود، بازگردانده و او اکنون مشغول خدمت است.

به نظر شما مهم‌ترین ویژگی فرهنگی و معنوی پادگان شهید ادیبی چیست؟

پادگان ما در یکی از خوش‌آب‌وهواترین مناطق شمال کشور واقع شده و موقعیت جغرافیایی آن (نزدیکی به تهران و شهرهای اطراف) فرصت خوبی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی فراهم کرده است. گمنام در محوطه آن است. بسیاری از سربازان عصرها کنار مزار شهدا می‌نشینند، با آنان درد دل می‌کنند و آرامش می‌یابند. این فضای معنوی، بر روحیه سربازان تأثیر بسیار مثبتی دارد.

حال خوب کن است؛ حس‌های خوب، آل‌واهی خوشمزه، مردمان ساده و نسیم پاییزی را که در شهر خور می‌پیچد، می‌شود در این عکس حس کرد. ای کاش می‌شد همه ما یک‌بار واقعی به خور سفر کنیم.

از بعضی عکس‌هایی که می‌آید؛ مثل این عکس از خشت‌ک‌کردن آله‌های رنگارنگ در شهر ییلاقی خور(خور) که در منطقه سرسبز نیشابور و در دامنه‌های کوه‌های بینالود واقع شده است. ظاهر این شهر ۶۰۰هکتار باغ آلو

پشت‌بام‌های آلودی

درد و به‌عنوان پایتخت آلودی ایران شناخته می‌شود به همین خاطر اضافه آله‌هایی که در بازار فروش زفته به این شکل تبدیل به آله‌خشت‌ک و لو‌اشک‌می‌شود. این عکس را از یک گزارش تصویری از ایران برداشتیم. تمام عکس‌ها

گواهینامه پرخطر

بعد از اعلام صدور گواهینامه برای نوجوانان پسر، در بازار فروش موتور و کلاس‌های رانندگی چه خبر است؟

که با فراهم شدن شرایط، اجازه صدور گواهینامه هم صادر شده است. همین خبر چند خطی در کوتاه‌ترین زمان ممکن با استقبال نوجوانان برای قانونی شدن و البته نگرانی در مورد افزایش آمار تصادف‌ها همراه شد؛ چراکه آمار ۶ماهه ۲۰۴۰ انسان می‌دهد، موتورسیکلت‌سواران ۴۷ درصد از کل فوتی‌های تصادف در تهران را شامل می‌شوند و جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال، بیشترین برانیتان این حوادث هستند.

تجربه جهانی

برای موتورهای نوجوان

ایران نخستین کشوری نیست که با توجه به هجوم نوجوانان برای موتورسواری، مجبور به تغییر قانون شد؛ کشورهای اروپایی هم در دهه اخیر با الزام یکسری محدودیت‌ها، دست فرمان خود را تغییر دادند. همانطور که در ایران از قدرت موتور گرفته تا محدوده تردد، محدودیت‌های خاصی مشخص شده است، کشورهای اروپایی هم با رعایت یکسری شروط به ۱۶ساله‌های خود اجازه موتورسواری دادند. براساس دستورالعمل مجوز رانندگی اتحادیه اروپا، موتورسوارهای ۱۶ساله فقط می‌توانند از موتورهایی با حجم ۱۲۵سی‌سی استفاده کنند. اما درخی کشورها با یکسری محدودیت‌های بیشتر، از افزایش امار تصادف پیشگیری کردند؛ به عنوان مثال در آلمان نوجوانان ۱۶ساله تنها در حضور بزرگسال می‌توانند پشت موتور بنشینند.

دیگری هم با گروه دوستان راهی آموزشگاه می‌شوند و در خیال‌شان، خودشان را با کلاه کاسکت‌های فانتزی پشت فرمان تصور می‌کنند. نگاه‌هایی پسر از هیجان و کمی نگرانی دارند؛ بعضی‌ها از تصادف و خطر خیابان خبر دارند، بعضی‌ها هنوز نمی‌دانند پشت فرمان با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد. تغییر رسمی در آیین‌نامه صدور گواهینامه موتور به نفع نوجوانان پسر ۱۶ساله از دی‌ماه ۱۴۰۳ کلید خورد و چند روزی می‌شود

روزهای شلوغ آموزشگاه‌ها

«حسابی سرمون شلوغ شده.» این جمله مسئول پذیرش یکی از آموزشگاه‌های موتورسیکلت در شرق تهران به‌تنهایی راوی استقبال نوجوانان از این مصوبه است. مردی که این روزها با نوجوانان عاشق موتورسواری سرو و کله می‌زند، در مورد میزان مراجعه نوجوانان توضیح می‌دهد: «۱۰روزه که مراجعه خیلی زیاد شده و نوجوان‌ها برای ثبت‌نام میان؛ چون مدرسه می‌رن، اغلب کلاسای آموزشی‌شون رو عصر می‌ذاریم.» به گفته مسئول یک آموزشگاه دیگر، هزینه دریافت گواهینامه برای ۱۶ساله‌ها ۲میلیون و ۵۰۰هزار تومان» تعیین شده است. وقتی صحبت از همراهی والدین می‌شود، این مسئول با بی‌حوصلگی می‌گوید: «دیگه وقتی قانون اجازه داده، خانواده راضی باشن یا نباشن، فرقی نداره. نوجوان‌ها خیلی وقته دنبال این موضوع بودن، قبلا هم هر روز می‌امدن و سؤال می‌کردن. به‌نظر من، این سن خوبه. خوبی نیست، این‌بچه هنوز به سن قانونی نرسیده، ممکنه تصادف بیشتر بشه.»



گزارش

هشتگ روز

حمله به روایت‌ها

قطعا شما هم تا حالا ویدئوهایی در فضای مجازی به‌خصوص اینستاگرام از سوی مهاجران ایرانی خارج از کشور دیده‌اید که برداشت مثبت و منفی خود را از مقصدی که به آن مهاجرت کرده‌اند، بیان می‌کنند و صدها کامنت منفی روانه پست آنها می‌شود. مثلا کاربر مهاجرت کرده رفته به یکی از شهرهای معروف اروپا، کانادا یا کشورهای همسایه و درباره وضعیت اجاره خانه، دسترسی به پزشکی یا پیچیدگی مراحل اداری یا بهداشت فردی شهروندان محل زندگی جدیدش، روایت‌ها و برداشت‌های شخصی و واقعی خود را عنوان می‌کند تا کسانی که در مسیر مهاجرت هستند و برایشان جای سؤال و ابهام است، آگاهانه تصمیم بگیرند. بلافاصله کامنت‌هایی دریافت می‌کند که «خیلی ناراحتی بر گرد»، «آره بده چرا موندی؟»، «آره، ایران خوبه با این هواس» «آره دکترای ایرانی خوبن» و…»

در آخرین نمونه یک اینفلوئنسر که ساکن اوبوایی است، از پنجره اتاقش مثلا خواست که برج خلیفه را نشان دهد و همان موقع یک کاربر از او پرسیده که «نگار هوای اونجا گردوغبار داره، آره؟» و این اینفلوئنسر هم جواب داده که «آره خیلی روزا اینجا بر گیر گردوغبار میشه، متأسفانه.» همین مکالمه به‌ظاهر ساده که نشان داد کشور همسایه هم مثل ایران درگیر هوای آلوده ناشی از گردوغبار است، باعث شد ده‌ها نفر به‌او حمله کنند که اصلا چرا به این نکته اشاره کردی؟

با بارها پیش آمده که مهاجران ایرانی از وضعیت بد نظام بهداشتی کانادا و دسترسی سخت و دیرنجام به پزشک متخصص گلایه و عده‌ای ارضای ایرانی آنها را محکوم کرده‌اند که «شما از حکومت ایران پول گرفتید تا علیه فلان کشور بد بگویید!»

اینقدر این پدیده زیاد و همه‌گیر است که واقعا می‌شود آن را موضوع یک پژوهش جامعه‌شناسی قرار داد و درباره آن حتی یک پایان‌نامه دانشگاهی نوشت. اینکه ما را چه شد که حتی یک مهاجر ایرانی نتواند آزادانه تجربیات خود را در اختیار دیگران قرار دهد و بدون ترس و قضاوت درباره آن صرف بزند؟ آنها که موافق مهاجرت هستند، بیان تجربه‌های یکی از دغدغه‌هایشان ازادبون در اظهار نظر و نظر نقد‌ها نیست، پس چرا اظهار نظر دیگری را سرکوب و شامت می‌کنند؟